



# Journal of Islamic Propagation

---

Volume 6 ● No 13 ● Spring & Summer 2026

## An Study of the Factors Influencing the Expansion and Contraction of Livelihood with Emphasis on Quranic Verses and Narrations

Alijan Karimi\*

### Abstract

Livelihood refers to the necessities an individual requires for existence and living. This article is dedicated to examining the factors contributing to the abundance or scarcity of livelihood, drawing upon Quranic verses and Hadiths. Livelihood is a relative concept, varying according to the conditions of time, place, and an individual's social standing. It encompasses all elements that fulfill human needs and provide welfare and comfort. The expansion or contraction of livelihood depends on various material and spiritual factors. Islamic verses and narrations emphasize striving to secure and expand one's livelihood, suggesting that one-third of one's time should be dedicated to this purpose. Furthermore, faith and piety (\*Taqwa\*), seeking forgiveness (Istighfar), maintaining family ties (Silat al-Rahm), giving charity, and good moral character are among the most significant spiritual factors for the expansion of livelihood. Conversely, sins such as foul language, ill-temperedness, wastefulness (Israf), betrayal of trust, lying, and wine-drinking are factors that lead to the contraction of livelihood.

### Key words:

Livelihood, Types of Livelihood, Faith and Livelihood, Expansion of Livelihood, Contraction of Livelihood.

---

\* Researcher and Graduate of Level ۴ (PhD equivalent) of the Islā Seminary of Qom.



دو فصلنامه علمی - تخصصی  
سال ششم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۴

## بررسی عوامل وسعت و تنگی معیشت با تاکید بر آیات و روایات

علیجان کریمی\*

### چکیده

معیشت چیزی است که انسان در زنده‌بودن و زندگی کردن به آن نیاز دارد. این نوشتار به بررسی عوامل فراخی و تنگی معیشت با نگاهی به آیات و احادیث اختصاص دارد. معیشت امری نسبی است و به تناسب شرایط زمان و مکان و شئون اشخاص متفاوت است. معیشت انواع چیزهایی را دربر می‌گیرد که نیازهای انسان و رفاه و آسایش او را فراهم کند. فراخی و تنگی معیشت به عوامل مختلف مادی و معنوی بستگی دارد. در آیات و روایات بر تلاش برای تأمین و وسعت معیشت و اختصاص یک‌سوم از وقت خود برای آن تاکید شده است. افزون بر آن ایمان و تقوا، استغفار، صله رحم، صدقه‌دادن و خوش اخلاقی از مهم‌ترین عوامل معنوی وسعت معیشت در زندگی است. گناهانی مانند بددینی، بداخلاقی، اسراف، خیانت در امانت، دروغ و شرابخواری از عوامل ضیق معیشت هستند.

**کلیدواژگان:** معیشت، انواع معیشت، ایمان و معیشت، فراخی معیشت، تنگی معیشت.

---

\* پژوهشگر و دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

## مقدمه

مسئله معیشت و مباحث مربوط به آن به گستردگی در معارف اسلامی مطرح شده است؛ برای نمونه در کتاب اصول کافی، فقط واژه معیشت بیش از پنجاه مرتبه در ابواب مختلف آمده است؛ افزون بر اینکه مشتمل بر «کتاب المعیشة» است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۵) و در آن احادیثی در باره سبک زندگی و معیشت مؤمنانه آمده است. در «کتاب المعیשה» من لایحضره الفقیه، طی ۳۷ باب (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۵۶) و نیز در وسائل الشیعه (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶-۱۰-۵۲۹) مسائل مربوط به معیشت آمده است.

در دوره معاصر نیز آثاری در باره اقتصاد و معیشت به نگارش در آمده است؛ از جمله الحیاة (حکیمی، ۱۳۸۰ش، ج ۵، ص ۲۹۶) و الوجیز فی الفقه الاسلامی: فقه الحیاة الطیبه (مدرسی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۹). آثاری نیز به زبان فارسی درباره معیشت به نگارش در آمده است؛ از جمله اخلاق اقتصادی اثر علی اصغر الهامی نیا و همکاران یا توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث نوشته محمدی ری شهری و همکاران که به جوانب مختلف امور اقتصادی از جمله معیشت از دیدگاه قرآن و احادیث پرداخته‌اند.

معیشت عبارت از اسباب زندگی است (فراهیدی، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۸۹؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۱۴۴)؛ به معنای زندگی و زندگی کردن نیز آمده و جمع آن معایش است (فراهیدی، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۸۹؛ جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۰۱۳). اصل آن «عیش» نیز به همین معنا آمده است (فراهیدی، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۸۹؛ جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۰۱۳) و همه نعمت‌ها و روزی‌های خدادادی را دربر می‌گیرد (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۱۴۴).

واژه عیش و مشتقات آن هشت مرتبه در قرآن آمده است که دو بار آن با تعبیر «معایش» است: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ» و به یقین شما را در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن وسایل معیشت نهادیم؛ [اما] چه کم سپاس‌گزاری می‌کنید» (اعراف: ۱۰) و «وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ» و برای شما و هر کسی که شما روزی‌دهنده او نیستید، در آن وسایل زندگی قرار دادیم» (حجر: ۲۰). مفسران معتقدند «معایش» فراتر از زیست‌مایه‌هایی است که به صورت طبیعی وجود دارد و شامل دانش و مهارت‌های بشری و ابزارآلات تولید و کسب‌وکار و هر آن چیزی می‌شود که در زندگی انسان

نقش دارد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۶۱۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۹؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۸۱).

### تلاش برای معیشت

تلاش برای معیشت و تهیه اسباب زندگی به اندازه‌ای که جان و سلامتی انسان را حفظ کند، از مهم‌ترین واجبات است (نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۳۶، ص ۴۳۳). قرآن از قراردادن نفس خود در معرض هلاک نهی کرده است: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵)؛ یعنی هیچ کاری نکنید که به هلاک شما بینجامد (طوسی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۵۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۶۴). امام صادق علیه السلام با استشهاد به آیه پیش گفته فرمود: «اگر کسی با انفاق تمام دارایی خود، جانش را به خطر بیفکند، کار خوبی نکرده و به این آیه عمل نکرده است» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۵۱۶). بنابراین هر تکلیفی به جز جهاد و دفاع مشروع، در صورت تراحم با حفظ جان، حفظ جان مقدم بر آن است؛ برای نمونه روزه برای بیمار و کسی که روزه گرفتن برای او بسیار مشقت دارد، واجب نیست (بقره: ۱۸۴)؛ همچنین در آیاتی از قرآن تصریح می‌شود برای شخص مضطرّ - البته به شرطی که به اختیار خودش مضطرّ نشده باشد - جایز است از خوردنی‌های حرام مانند مردار، خون و ... در حد ضرورت تناول کند (بقره: ۱۷۳؛ مائده: ۳؛ انعام: ۱۴۵؛ نحل: ۱۱۵). مهم‌ترین معیشت انسان را خوراک، پوشاک و مسکن شکل می‌دهد. در احادیث نیز توصیه شده است انسان یک‌سوم اوقات خود را به تأمین معاش و رسیدگی به امور دنیوی اختصاص یابد و دوسوم دیگر به عبادت و تفریح و استراحت (صدوق، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۳۵۶؛ برقی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲).

ایمان و تقوا از عوامل معنوی خیر و برکت در زندگی است و منافاتی با لزوم تلاش برای بهبود معیشت ندارد؛ به دلیل اینکه در آیات بسیاری به کوشش برای طلب روزی توصیه شده است؛ از جمله خداوند می‌فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» پس وقتی نماز جمعه گزارده شد، رواست که در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بجوئید [در پی دستیابی به عطایای دنیوی و اخروی خدا برآید] و خدا را بسیار یاد کنید؛ باشد که سعادت‌مند شوید» (جمعه: ۱). خداوند در قرآن، مناسک حج را مانع از فعالیت اقتصادی نمی‌داند و فرموده است: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ» بر شما

گاهی نیست که در دوران حج از راه دادوستد در طلب رزقی برآید که آن بخششی از جانب پروردگار شماس است» (بقره: ۱۹۸). اینکه می‌فرماید بر شما گناهی نیست، به این دلیل است که برخی افراد کسب‌وکار و فعالیت اقتصادی در ایام حج را گناه می‌دانستند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲، ص ۵۲۷).

در احادیث تلاش برای معیشت به جهاد در راه خدا همانند شده است؛ از جمله به نقل از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: کسی که برای تأمین معیشت خانواده‌اش زحمت بکشد، مانند مجاهد در راه خداست» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۸۸). در روایتی از امام رضا علیه السلام نیز آمده است: «کسی که برای برآورده کردن نیازهای ضروری خانواده‌اش در پی روزی خدا برآید، پاداشش بیشتر از کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۸۸). بین این دو روایت منافات نیست؛ روایت اول ناظر به هر نوع کوشش برای تأمین و توسعه معیشت است، در حالی که روایت دوم مربوط به کسی است که به دنبال کسب درآمد برای حداقل معیشت است. گفتنی است در احادیث افراد قناعت‌پیشه که به قدر کفاف و معیشت متوسط که فقط نیازهای اساسی خود را برآورده کنند، ستایش شده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۴۰؛ صبحی صالح، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۷۶ - ۴۷۷).

تلاش برای تأمین معیشت و ارتقای سطح آن نه تنها لازم و پسندیده است، بلکه در قرآن و احادیث دعاهایی برای درخواست معیشت آبرومندانه و رفاه و آسایش وارد شده است. دعاهای مربوط به معیشت و رفاه متفاوت است؛ در برخی دعاها به طور کلی از خدا درخواست رفاهیات شده است؛ مانند «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً» (بقره: ۱۹۷). امام صادق علیه السلام فرمود: «در این آیه که از خدا درخواست حسنه در دنیا و آخرت شده است؛ مقصود از حسنه در دنیا، معاش و اخلاق نیک است و مقصود از حسنه در آخرت، خوشنودی خدا و بهشت است» (بقره: ۷۱؛ صدوق، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۷۵). در روایات نقل شده است که بیشترین دعای پیامبر، همین دعا بوده است (ابی داود، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۶۵۶؛ بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۷، ص ۱۳۶). حضرت موسی علیه السلام نیز زندگانی نیکو در دنیا و آخرت را از خدا درخواست کرد (اعراف: ۱۵۶).

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که علی بن الحسین این دعا را مرتب می‌خواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الْمَعِيشَةِ مَعِيشَةً أَتَقْوَى بِهَا عَلَى جَمِيعِ حَوَائِجِي وَ أَتَوْضَلُّ بِهَا فِي الْحَيَاةِ

إِلَىٰ آخِرَتِي مِنْ غَيْرِ أَنْ تُتْرَفَنِي فِيهَا فَأَطْعِي أَوْ تَقْتَرِ بِهَا عَلَيَّ فَأَشْقَى: پروردگارا معیشت نیکورا از تو درخواست می‌کنم؛ معیشتی که با آن برای برطرف کردن نیازهایم نیرو یابم و با آن به خوشبختی آخرت دست یابم، نه معیشت مرفهانه‌ای که عامل سرکشی شود و نه معیشت تنگدستانه‌ای که سبب بدبختی و بیچارگی گردد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۵۳).

### امام باقر (ع) و ارزش تلاش برای معیشت

محمد بن المنکدر می‌گفت گمان نمی‌کردم علی بن الحسین علیه السلام فرزندی بهتر از خودش باقی بگذارد، تا اینکه پسرش محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) را دیدم. خواستم او را نصیحت کنم، اما او مرا نصیحت کرد. یارانش از او پرسیدند: چگونه تو را نصیحت کرد؟ گفت: در یکی از ساعات گرم روز به ناحیه‌ای از اطراف مدینه رفتم؛ با ابوجعفر محمد بن علی علیه السلام روبرو شدم که مشغول کار بود. با خود گفتم: سبحان‌الله، پیرمردی از بزرگان قریش، در این ساعت و در این حال، به دنبال دنیا؟! به‌راستی که باید او را نصیحت کنم. نزدیکش رفتم و بر او سلام کردم. او نیز با گشاده‌رویی پاسخ سلامم را داد، در حالی که عرق از او می‌ریخت. به او گفتم: خدایت امورت را به سامان کند، پیرمردی از اشراف قریش در این ساعت و در این حال برای دنیا طلبی؟ اگر در همین حال مرگت فرا برسد، چه خواهی کرد؟ فرمود: اگر در همین حال مرگم فرا برسد، در حال اطاعت خداوند خواهم بود؛ با این کار، خود و خانواده‌ام را از تو و دیگر مردم بی‌نیاز می‌سازم؛ نگرانی از وقتی است که انسان در حال گناه از دنیا برود. پس گفتم: راست گفتی، خداوند تو را رحمت کند. من قصد داشتم تو را نصیحت کنم، اما تو مرا نصیحت کردی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۳).

### انواع معیشت

معیشت هر چیزی را دربر می‌گیرد که سبب زندگی شرافتمندانه در جوانب مختلف باشد؛ از خوراکی‌های لذیذ تا پوشاک و استفاده از زیورآلات و از وسایل سواری تا تفریحات سالم و هر چیزی که آسایش انسان را فراهم کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۴۴).

در ادیان الهی به طور کلی خوردن طیبات حلال شمرده شده است: «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» ما به فرستادگان خود گفتیم ای پیامبران، از

چیزهای پاکیزه بخورید و استفاده برید و به شکرانه نعمت‌های الهی کاری شایسته کنید. به یقین من به آنچه می‌کنید، به خوبی آگاهم؛ مبدا از فرمان من روی برتائید» (غافر: ۵۱).

قرآن در معرفی پیامبر خاتم نیز فرموده است: «وَ يَجْلُ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحْرُمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ: و پاکیزه‌ها را برای آنان حلال و پلیدها را بر آنان حرام می‌کند» (اعراف: ۱۵۷). مراد از طیبات هر چیزی است که برای انسان خوشایند و لذیذ باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۵۵). برخی مفسران دامنه طیبات را تا راه‌های مشروع کسب درآمد توسعه داده‌اند و مراد از خبائث را راه‌های نامشروع کسب درآمد دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۷۵۰؛ نیز: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۲۸۱).

مفسران نقل کرده‌اند برخی مسلمانان هنگام سفر حج استفاده از حیوان قربانی را به کلی بر خود حرام کردند، اما آیه نازل شد و آنان را نکوهش کرد که چرا خود را از لذات دنیوی محروم می‌کنید؟ و چه کسی به شما اجازه داده است چیزی را که بر شما حلال است، حرام کنید؟ (آل عمران: ۳۲)

روزی پاکیزه منحصر در خوراکی نیست، بلکه همه نیازمندی‌های انسان و هر چیزی را دربر می‌گیرد که با طبع او سازگار باشد (آل عمران: ۸۰). خداوند متعال افزون بر رفع نیازهای ضروری انسان، به زیبایی و آراستگی انسان نیز توجه دارد و می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا: ای فرزندان آدم، ما برای شما جامه‌ای که شرمگاه‌های شما را بپوشاند و پوششی که مایه آرایش و زیبایی شما باشد، پدید آوردیم» (اعراف: ۲۶؛ نحل: ۸۱). برخی مفسران «ریشاً» در این آیه را به لباس زینت و جمال تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۶۳۱).

در آیه دیگری آمده است: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ: به وقت عبادت و حضور در عبادتگاه، با لباس تمیز و آراسته باشید» (اعراف: ۳۱). مقصود از زینت، لباس زیباست (طوسی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۳۸۶). نقل شده است امام حسن مجتبی علیه السلام هنگام نماز بهترین لباس خود را می‌پوشید؛ علت آن را پرسیدند، فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد؛ من برای خدا، خود را آراسته می‌کنم و سپس آیه پیش‌گفته را تلاوت کرد (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۹). در احادیث به پوشیدن لباس سفید و تمیز سفارش شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۶ - ۱۴۸ - ۴۴۵ - ۴۹۶؛ أحمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۹۴). قرآن کریم آفرینش مرکب‌های سواری را برای

سواری و زینت بیان کرده است (نحل: ۸). در حدیثی از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز داشتن مرکب راهوار و آسایش آور از عوامل خوشبختی مسلمان به شمار رفته است: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ الْمُرْكَبُ الْهَنِيءُ» (برقی، [بی تا]، ج ۲، ص ۶۲۵).

مطابق حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، بهره‌مندی از زینت‌های دنیا به‌ویژه در موقعیت‌های خاص همچون ازدواج، با زهد و پارسایی منافاتی ندارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۴۶). به طور کلی استفاده از لباس فاخر و زینتی به اقتضائات و عرف زمانه بستگی دارد؛ برای مثال دوران امیرالمؤمنین با امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام متفاوت بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۱۱). سفیان ثوری وارد بر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام شد و دید آن حضرت لباس‌هایی سفید و درخشان بر تن دارد. سفیان آن لباس را دور از جایگاه امام دانست. حضرت فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در زمانی زندگی می‌کرد که فقر و خشکسالی فراگیر بود؛ اما زمانی که دنیا روی آورد [و نعمت فراوان شد]، شایسته‌ترین افراد برای بهره‌گیری از آن، نیکان‌اند نه تبه‌کاران، مؤمنان‌اند نه منافقان، مسلمانان‌اند نه دیگران (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۵).

برخی از محققان اسلامی پس از اشاره به دسته‌ای از آیات و روایات که در نکوهش دنیا و دسته‌ای دیگر که در ترغیب به دنیا وارد شده است، در مقام حل تعارض ظاهری این دو دسته اظهار داشته‌اند آنچه از آن نکوهش می‌شود، شادمانی و دل‌بستگی مطلق به دنیا و مقدم‌داشتن آن بر آخرت است؛ دنیایی که سرگرم‌کننده و غفلت‌آور از آخرت است، نه دنیایی که در جهت آخرت و آبادانی آن است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۱ش، ص ۲۰۲-۲۵۶-۱۳۶۱). به فرموده امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام، دنیایی که با آن بتوان به خود و دیگران نیکی کرد، صله رحم به جا آورد، به خویشان رسیدگی کرد و صدقه داد، با آن حج و عمره گزارد، دنیا دوستی نیست، بلکه آخرت‌طلبی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۵۲۶؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۶، ص ۶۲۸). همچنین ایشان فرمود: «بی‌نیازی که مانع انسان از ستم بر دیگران باشد، برتر از فقر و تنگدستی است که وادارکننده انسان به گناه باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۲).

بر اساس روایات، خداوند دوست دارد بندگان‌ش آشکارا از نعمت‌ها بهره ببرند و آثار آنها در زندگی ایشان دیده شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۳۸؛ صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، ص ۴۵۹). در حدیثی توجه‌داشتن به نعمت‌ها به منزله سپاس از آنها به شمار رفته است (ابن‌حنبل، ۱۴۱۶ق، ج

۳۲، ص ۹۶). از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است: «خیر و خوبی برای کسی نیست که به جمع‌آوری مال از راه حلال علاقه ندارد تا به وسیله آن آبروی خود را حفظ و بدهی خود را ادا کند و صلۀ رحم به‌جا آورد» (صدوق، ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص ۲۱۵).

از مهم‌ترین نیازهای معیشتی انسان، استراحت و آرامش مسکن است: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا». نخستین فرمان خدا به موسی و هارون نیز در مصر فراهم کردن خانه بود (یونس: ۸۷). در احادیث اهل بیت از خانه وسیع در جایگاه یکی از عوامل خوشبختی در دنیا و آخرت یاد شده است (برقی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۶۱۱؛ صبحی صالح، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۰۹).

### نقش ایمان در معیشت

برخی آیات و روایات درباره نقش ایمان و تقوا در فراخی یا تنگی معیشت، به‌ظاهر با هم ناسازگار هستند؛ از این‌رو به تحلیل و بررسی نیاز دارند؛ برای نمونه از یک‌سو دسته‌ای از احادیث رفاه و فراخی معیشت را مخصوص کافران می‌داند؛ مانند اینکه می‌فرماید: «لَا يَغُزُّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ: گشت‌وگذار کافران در شهرها و دست‌یابی آنان به سودهای فراوان تو را فریب ندهد» (آل‌عمران: ۱۹۶)؛ در سوره «زخرف» نیز می‌فرماید: «اگر تقدیر الهی بر این نبود که همه مردم [چه مؤمن و چه کافر] در دست‌یابی به وسایل زندگی یکسان باشند، برای خانه‌های کسانی که به خدای رحمان کفر می‌ورزند، سقف‌هایی از نقره قرار می‌دادیم و نیز پله‌هایی که بر آنها آشکار شوند. [بر آنها برآیند و خود را به دیگران بنمایانند] و برای خانه‌هایشان دره‌هایی عالی و تخت‌هایی مجلل که بر آن تکیه زنند، قرار می‌دادیم؛ و نیز زیوری در نهایت زیبایی. و اینها چیزی جز متاع زندگی این دنیای ناپایدار نیست، و سرای آخرت به حکم پروردگارت از آن تقوایپیشگان است» (زخرف: ۳۴ - ۳۵).

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: «هر چه بر ایمان بنده افزوده می‌شود، در معیشت او تنگنایی بیشتری پدید می‌آید» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۶۱). جای پرسش است که چرا باید چنین باشد؟ به‌ویژه که این حدیث با آن دسته از آیات و احادیث که می‌گویند ایمان عامل افزایش برکت و روزی است، در ظاهر ناسازگار است؛ مثل این آیه قرآن که می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ: و اگر مردم آن شهرها که به عذاب گرفتار شدند، ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند،

به یقین از آسمان و زمین برکت‌هایی بر آنان می‌گشودیم؛ ولی پیامبران و آیات ما را دروغ انگاشتند، ما نیز آنان را به عذابی که نمود گناهانشان بود، گرفتار ساختیم» (اعراف: ۹۶). در آیات دیگری، تقوا سبب گشایش در امور معرفی شده است: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا. وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ: و هر کسی از خدا پروا بدارد و حدود الهی را رعایت کند، خدا برای بیرون شدن او از تنگناها راهی پدید می‌آورد و از جایی که تصور نمی‌کند، به او روزی می‌رساند و نیازهای زندگی اش را برطرف می‌کند» (طلاق: ۲-۳). بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام نیز خدا به آنچه به او داده، برکت می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۲۶۰). در اینجا ممکن است پرسشی در ذهن بیاید که چرا مطابق برخی روایات افزایش ایمان سبب تنگی معیشت است؟ در حالی که در قرآن آمده است کسی که از یاد خدا روی‌گردان شود، زندگی تنگ و سختی خواهد داشت: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه: ۱۲).

### سنت الهی و فراخی و تنگی معیشت

در پاسخ به پرسشی که مطرح شد، لازم است به سنت‌های الهی توجه داشت. سنت و قانون کلی خدا در جوامع این است که اگر نوع انسانی و همه افراد جامعه‌ای - نه فقط برخی - اهل ایمان به خدا و پرهیز از شرک و گناه بودند، درهای خیر و برکت از آسمان و زمین بر آنها گشوده می‌شود و نزولات آسمانی مانند برف و باران و نیز رویش گیاهان و درختان و خرمی طبیعت، فراوان خواهد شد؛ ولی آنچه مانع گشایش و برکات آسمانی و زمینی می‌شود، تکذیب انبیا و تبهکاری در جامعه است و آیات ۹۶ سوره «اعراف» و ۶۶ سوره «مائده» اشاره به همین سنت و قانون کلی است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۸، ص ۶-۳۷-۲۰۱). چنین جامعه‌ای را خداوند در آیات دیگری مثل و نمونه یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ: و خداوند مثلی زده است؛ شهری که از آسیب‌ها در امان بود و مردمش در آن آرامش داشتند و روزی اش از هرسو به خوبی و فراوانی به آن می‌رسید؛ ولی نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای کارهایی که می‌کردند، فراگیری گرسنگی و ترس را به آنان چشاند» (نحل: ۱۱۲). جامعه نمونه یادشده در این آیه سه ویژگی دارد: امنیت، آرامش و رفاه. بنابراین جامعه‌ای که از سویی از خطر اشرار و تبهکاران و نیز بلایای طبیعی در امان است و از سوی دیگر دارای رفاه و

وسعت معیشت است، آرامش هم خواهد داشت (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۳۶۲).  
 از حیث فردی نیز همین قانون و سنت الهی جاری است؛ یعنی ایمان و تقوای مؤمن پرهیزکار در افزایش روزی و نجات او از تنگناها نقش دارد (طلاق: ۲ - ۳)؛ ولی در این میان افرادی با انتخاب خود، فقر را بر غنا و بلا را بر عافیت ترجیح می‌دهند. اینان بندگان خاص الهی هستند که خداوند مستقیم تربیت آنها را عهده‌دار شده است و با قراردادن آنها در کورهٔ بلا یا و گرفتاری‌ها، آنها را آبدیده و از ناخالصی‌ها پاک می‌کند. چنین افرادی آگاهانه و با انتخاب خود به پیشواز بلا یا می‌روند و سختی را بر آسایش ترجیح می‌دهند و می‌کوشند از راه مبارزه با خواسته‌های شهوانی، روح خود را نیرومند کنند و به کمالات معنوی دست یابند. اینان در برابر سختی‌ها، تاب‌آوری دارند و حتی خدا را سپاس‌گزارند؛ برای نمونه امیر مؤمنان علی علیه السلام در پیشامدهای سخت و سهمگین مثل جنگ صفین و حادثه حکمیت که بسیار تلخ و گزنده بود، نیز خدا را ستایش می‌کرد (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، ص ۷۹).

در کتاب کافی، کلینی بابی با عنوان «(بَابُ شِدَّةِ اِبْتِلَاءِ الْمُؤْمِنِ)» (کلینی، ۱۴۰۷هـ ج ۲، ص ۲۵۲) آورده است و در آن چند حدیث بیان می‌کند که مضمون مشترک همهٔ آنها این است که خدا بندگان محبوب خود را بدون اینکه گناهی کرده باشند، گرفتار بلا یا می‌کند تا درجات معنوی آنها بیشتر شود و به پاداش ویژه دست یابند (کلینی، ۱۴۰۷هـ ج ۲، ص ۴۵۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۶۸)؛ البته گاهی به کافران نعمت فراوان عطا می‌کند، ولی مقدمه عذاب آنان است (لقمان: ۲۴).

با توجه به آنچه گذشت، فقر و بلا را می‌توان دو قسمت کرد: ۱. فقری که ناشی از تبلی و بیکاری و دست‌کشیدن از کار و فعالیت است؛ چنین فقری نکوهیده و همان است که در روایات مرگ سرخ و سیاه، وحشت‌انگیز، بلا و مقدمه کفر به شمار آمده است که باید از آن به خدا پناه برد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۷؛ صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۴). ۲. فقری که شخص فقیر هیچ تقصیر و کوتاهی در به‌وجود آمدن آن نداشته است، بلکه بیماری و ناتوانی و شرایط طبیعی مانند قحطی و خشکسالی یا شرایط اجتماعی مانند ظلم و تبعیض و نظام فاسد حاکم بر جامعه، عامل آن بوده است و این شخص توان تغییر آن را نیز ندارد. در این حالت شخص فقیر اگر در برابر این فقر شکیبایی بورزد و به دیدهٔ آزمون الهی به آن بنگرد و بداند مصلحتی در آن است و

مطابق با قضا و قدر الهی و امری خدادادی است، چنین فقری ممدوح است و پاداش اخروی دارد. این همان فقری است که رسول‌الله به آن فخر فرمود: «الفقر فخری و به أفتخر» (قمی، [بی‌تا] ص ۷۳۱).

### امتحان الهی با فراخی یا تنگی معیشت

نکته دیگری که در موضوع فراخی و تنگی معیشت باید در نظر داشت، آزمایش انسان‌ها اعم از مؤمن و کافر در دنیاست. از منظر قرآن، عالم دنیا محل امتحان و ضیق یا وسعت معیشت، ابزار امتحان است. از نگاه قرآن نه تنگی معیشت، نشانه اهانت و روی‌گردانی خدا از بنده خود است و نه گشایش در معیشت و فراوانی نعمت، نشانه کرامت و بزرگی است (فجر: ۱۵ - ۱۷). روزی دادن به بندگان ربطی به ایمان و کفر آنها ندارد، بلکه رحمت خدا اقتضا می‌کند به همه بندگان حتی کافران روزی دهد (بقره: ۱۲۶).

خداوند بر اساس مشیت حکیمانه و عادلانه خود توسعه می‌دهد یا تنگ می‌گیرد (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳، ص ۱۶۲ - ۱۶۳). اما اینکه در قرآن آمده است کسی که از یاد خدا روی‌گردان شود، معیشت تنگ و سختی خواهد داشت، به این دلیل است که وقتی کسی خدا را فراموش کند و رابطه‌اش را با او قطع کرد، تنها دنیا برای او می‌ماند که به آن دل ببندد؛ در نتیجه همه کوشش‌های خود را منحصر در آن می‌کند، اما آرام نمی‌شود؛ برای اینکه هر چه به دست آورد، به آن قانع نمی‌شود و پیوسته چشم به افزون‌شدن مال دنیا دارد و به دنبال چیزهایی است که ندارد. افزون بر آن نگران روی‌آوردن نامالایمات و فرارسیدن مرگ و بیماری است. اضطراب دیگر او از حسودان و بدخواهان است؛ بنابراین چنین کسی پیوسته در میان آرزوهای برآورده‌نشده و ترس از دست‌دادن آنچه دارد، به سر می‌برد. در حالی که اگر مقام پروردگار خود را می‌شناخت و به یاد او بود، یقین می‌کرد که نزد خدا زندگی و عزت جاودان دارد؛ از این رو به آنچه خدا تقدیرش کرده است، قانع می‌شد و معیشتش هر چه بود، برایش فراخ می‌گشت و احساس تنگی و نگرانی نداشت (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۲۲۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۵، ص ۱۶۸).

### عوامل فراخی معیشت

عوامل مختلف مادی و معنوی در افزایش روزی و فراخی معیشت نقش دارند. این عوامل را

می‌توان به دو بخش عام و خاص قسمت کرد. مقصود از قواعد عام، قواعدی است که هر کسی خواه مؤمن یا غیرمؤمن مراعات کند، بر معیشت او اثر دارد؛ ولی قواعد خاص، ویژه مؤمنان است که با رعایت آنها روزی و معیشت آنها برکت پیدا می‌کند. (نظر ویراستار: نمونه عوامل عام و خاص کدام اند؟ چرا به عوامل اشاره نشده است؟)

### قانون عمل و عکس‌العمل

هر کاری به‌جز بازتاب آخرتی، در این دنیا نیز آثاری دارد. اگر به دیگران مهرورزی کردیم، مهر دیگران را به خود جلب می‌کنیم؛ برای نمونه خوش اخلاقی در تعامل با مردم سبب توسعه در رزق و روزی است. یا اگر کسی خوش اخلاق و پای‌بند به پیمان‌های خود باشد، بیشتر در جامعه به او اعتماد می‌شود؛ ازاین‌رو در تعاملات اقتصادی بخت و اقبال بیشتری دارد و اعتمادی که به او در بازار وجود دارد، سرمایه مهمی به‌شمار می‌رود؛ بنابراین اگر مشکلی هم برای او پیش آید، دیگران آمادگی کمک به او را دارند، در میان مردم احترام دارد و در جایگاه شخصی امین مطرح می‌شود. در میان مردم ضرب‌المثلی است که می‌گویند از همان دست که دادی، پس می‌گیری؛ به عبارتی در روابط انسان با نظام طبیعت و مراودات اجتماعی، قانون عمل و عکس‌العمل جریان دارد. در قرآن می‌خوانیم: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا: اگر نیکی کنید، به خود نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید، به خود بدی کرده‌اید» (اسراء: ۷).

در احادیث دینی نیز نمونه‌هایی از قانون کلی عمل و عکس‌العمل مشاهده می‌شود؛ از جمله از امام علی علیه السلام این حدیث که به صورت ضرب‌المثل درآمده، نقل شده است: «ارحم ترحم» و نیز فرمود: «أحسن یحسن إلیک» (صدوق، [بی‌تا]، ص ۲۷۸)؛ یعنی به دیگران مهرورزی کن تا مشمول مهر دیگران شوی.

همچنین مطابق روایات، صلۀ رحم سبب بلندی عمر و افزایش مال است (برقی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۹۰؛ صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۳؛ متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۶، ص ۴۷۲)؛ عکس آن هم درست است؛ یعنی اگر به دیگران ستم کردیم، تاوان آن را پس خواهیم داد. چنان‌که قرآن کریم هشدار می‌دهد اگر به حقوق دیگران تعدی کردی، ممکن است در آینده به نوادگان تو ستم شود

## عوامل وسعت معیشت

### ۱. استغفار

بر اساس آیات و احادیث، گناه اثر وضعی و منفی بر زندگی انسان دارد؛ چنان‌که در قرآن از هلاک مردمانی یاد شده است که گناه سبب نابودی رفاه و اسباب معیشت آنان شد (انعام: ۶). در سوی مقابل، استغفار از گناه اثر مثبت دارد و از راه‌های نجات از تنگی معیشت، توبه و استغفار است (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، خ ۱۴۳).

نوح و هود دو پیامبر الهی به قوم خود که ظاهراً با خشکسالی و تنگنای اقتصادی مواجه بودند، توصیه کردند در صورت توبه و استغفار از گناهانشان، خداوند باران‌های سودمند و بابرکت بر آنان فرومی‌ریزد؛ در نتیجه معیشت و رفاه آنان تأمین خواهد شد (نوح: ۱۰-۱۲؛ هود: ۵۲). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت استغفار از گناهان در رفع گرفتاری‌ها و گشایش در زندگی اثری فوری و حتمی دارد؛ همچنین نشان می‌دهد که بین صلاح جامعه انسانی و فساد آن و بین اوضاع عمومی جهان ارتباطی برقرار است؛ از این رو اگر جوامع بشری خود را اصلاح کنند، به زندگی پاکیزه و گوارایی می‌رسند؛ اما اگر برعکس عمل کنند، عکس آن را خواهند داشت (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ص ۲۰، ۳۰، ۱۰، ۳۰۰؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ص ۱۱، ۲۷۸، ۲۹، ۱۸۴).

### ۲. صدقه

بر اساس روایات، صدقه از عوامل افزایش روزی است. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است: «استنزلوا الرزق بالصدقه: با صدقه دادن روزی را به خود جلب کنید» (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، ص ۴۹۴، حکمت ۱۳۷). همچنین ایشان علیه السلام توصیه کرده‌اند اگر با تنگدستی شدید مواجه گشتید، با صدقه دادن تجارت کنید؛ مقصود این است که صدقه عامل گشایش است: «اذا املقتم فتاجروا بالصدقه» (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۴، حکمت ۲۵۸). در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز آمده است که هر چیزی کلیدی دارد و صدقه کلید روزی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۰).

شاید این پرسش برای برخی پیش آید که اگر فقیر ببخشاید، دارایی‌اش افزون می‌شود؟ یا اگر استغفار کرد، سبب گشایش در معیشت می‌شود؟ در پاسخ باید گفت برخی اقدامات سبب به‌صحنه آوردن قدرت‌های معنوی می‌شود. عالم هستی را صرفاً نباید با سازوکار و روابط مادی

ارزیابی کرد. افزون بر اسباب مادی، نیروهای معنوی هم دست‌اندر کار گردش امور عالم هستند. در پشت صحنه عوامل مادی، عوامل معنوی نیز وجود دارند و بالاتر از همه عوامل و اسباب، اراده و قدرت قادر بی‌انتهایی است که سررشته همه امور به دست اوست و او می‌تواند به برخی عوامل اثرگذاری بیشتری دهد یا اثر عاملی را حثی کند و عوامل ناپیدایی را به صحنه بیاورد که به ظاهر و در محاسبات عادی افراد، عامل به شمار نمی‌آید؛ برای مثال در روایتی آمده است اگر مؤمنی نیاز برادر دینی خود را حتی اگر به اندازه سیراب کردن او برآورده کرد، هفتادودو رحمت الهی برای او ثبت می‌شود که یکی از آنها را در همین دنیا به او عطا می‌شود تا معیشت خود را با آن سامان دهد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۱۱۹).

### ۳. ازدواج

توصیه قرآن به مؤمنان این است که زمینه ازدواج زنان و مردان مجرد را فراهم کنند و نگران فقر آنان نباشند و به فضل خدا امیدوار باشند: «وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ: ای مؤمنان، به مردان و زنان بی‌همسری که از [هم‌کیشان] شما هستند و به آن بندگان و کنیزانتان که شایستگی ازدواج را دارند، همسر دهید. اگر تهیدست‌اند، خداوند آنان را از فضل خود توانگر خواهد کرد؛ که خداوند دارای بخششی گسترده است و به حال کسی که صلاح او در گشایش است، داناست» (نور: ۳۲).

به نظر می‌رسد این دستور برای کسانی است که از معیشت و سرمایه‌ای اندک برخوردارند و در واقع در فقر به سر می‌برند؛ از این رو جرئت ازدواج ندارند. اینجاست که خدا به مؤمنان فرمان می‌دهد پیشگام شوند و به آنها کمک کنند. ولی اگر کسی هیچ شغل و سرمایه‌ای ندارد، باید عفت پیشه کند و تا فراهم شدن حداقل معیشت صبر کند؛ زیرا در آیه بعدی می‌فرماید: «وَلِيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ: و باید کسانی که هزینه ازدواج و مخارج زندگی را نمی‌یابند، پاکدامنی پیشه کنند و از کارهای زشت بپرهیزند تا خداوند آنان را از فضل خود توانگر کند» (نور: ۳۳). در احادیث نیز فراوان به ازدواج تشویق شده است؛ برای نمونه در حدیثی آمده است: «روزی همراه با زنان و خانواده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۰).

ازدواج و تشکیل خانواده، انگیزه فرد متأهل را برای کسب‌وکار و تأمین معاش زیاد می‌کند؛

زیرا احساس مسئولیت دارد. تجربه نیز ثابت کرده است که در زندگی افرادی که ازدواج می‌کنند، گشایش رخ داده است؛ همچنین دیگران نیز برای اینکه متأهل است، با او همراهی بیشتری دارند و از حمایت فامیل و بستگان و دوستان و به طور کلی از حمایت اجتماعی برخوردار می‌شود.

### عوامل تنگی معیشت

عواملی در تنگی و نابسامانی معیشت نقش دارند؛ برای مثال پاره‌ای از گناهان اجتماعی عامل تنگی معیشت و قرار گرفتن در سختی‌ها هستند. در احادیث عواملی چون بداخلاقی و بددهنی از اسباب کم‌شدن برکت و تنگی معیشت ذکر شده‌اند. در روایتی آمده است: «هر کسی به برادر مسلمان خود دشنام دهد، خداوند روزی‌اش را از او می‌گیرد و او را به خودش وامی‌گذارد و زندگی‌اش را بر او تیره می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۲۶). به گفته علامه مجلسی، رفتار آدم بددهن و دشنام‌گو سبب بیزاری و پرهیز مردم از معامله و دادوستد با او می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۲۷۸). همچنین گناهانی مانند خیانت، دزدی، شرابخواری، زنا (صدوق، ۱۳۶۴ش، ص ۲۸۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۴۱)، ترک امر به معروف و نهی از منکر (صدوق، ۱۴۶۴ش، ص ۲۸۹)، دروغ (صدوق، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۰۵)، حرام‌خواری (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲۵) و ترک جهاد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۳۲۱) از اسباب تنگی معیشت است.

### نتیجه

ایمان بر جنبه‌های مادی زندگی از جمله معیشت و اقتصاد اثر دارد. انسان مؤمن از یک‌سو با تکیه بر اعتقاد به عالم غیب و تقدیر امور از جانب خدا و نیز اهتمام به احکام تشریحی، رفتار اقتصادی خود را سامان می‌دهد. از سوی دیگر با پرهیز از گناهانی که عامل فقر و بی‌برکتی هستند، می‌تواند از نظر معیشتی در فراخ باشد. اثر ایمان و به طور کلی امور معنوی و پای‌بندی به احکام شریعت، منافاتی با لزوم کار و تلاش و کسب و تجارت و رفاه مادی ندارد. معیشت مؤمنانه لزوماً به معنای فقیر بودن و زندگی زاهدانه نیست. بررسی آیات و روایات مربوط به زهد و قناعت و نیز ستایشی که از فقر در برخی روایات شده است، این گمان را تقویت می‌کند که فقر بر دو گونه است؛ الف) فقری که عامل آن تبلی و دست‌کشیدن از کار و فعالیت و بی‌مسئولیتی در برابر خانواده است؛ چنین فقری نکوهیده و مورد تنفر است. ب) فقری که عامل آن شرایط

طبیعی و اجتماعی است که شخص فقیر هیچ نقشی در آن ندارد و توان از بین بردن آن را هم ندارد. تشریح احکام مالی و صدقات واجب و مستحب و نیز دستورالعمل‌های حمایتی برای ریشه‌کن کردن چنین فقری و تأمین معیشت مستمندان است. نوع دیگری از فقر، خودخواسته است؛ به این معنا که مؤمن درآمدهای خود را به‌جز هزینه کردن در حد کفاف، بقیه را در راه خدا انفاق می‌کند. چنین فقری در روایات ستوده شده است و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آن مباحثات می‌کرد. بر اساس آیات و روایات، در کسب معیشت و ایجاد رفاه هم به اسباب مادی باید توجه داشت و هم به عوامل معنوی.

همچنان‌که ایمان، تقوا، استغفار، صدقه، صلۀ رحم در گشایش معیشت نقش مثبت دارند، برخی اخلاقیات مانند بدخلقی و بددهنی و نیز گناهای مانند شرابخواری، اسراف، خیانت در امانت و دروغ، عامل کم‌شدن روزی و از بین رفتن برکت هستند.

### کتاب‌نامه

#### قرآن کریم

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، محقق: عامر غضبان و دیگران، چ ۱، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۶ ق.
۲. ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، چ ۱، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مصحح و ناصح: محمد مهدی و محمد جعفر یاحقی، چ ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۸ ق.
۴. ابی داود، سلیمان بن اشعث، سنن، شارح: سید محمد سید و عبدالقادر عبدالخیر، محقق: سید ابراهیم، [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱۴۲۰ ق.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، محقق: وزارة الأوقاف. المجلس الأعلى للشئون الإسلامية. لجنة إحياء كتب السنة، چ ۲، قاهره: وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلامية، لجنة إحياء كتب السنة، ۱۴۱۰ ق.
۶. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تصحیح و تعلیق: جلال‌الدین محدث، چ ۲، قم: دارالکتب الإسلامية، [بی‌تا].

٧. بغوي، حسين بن مسعود، تفسير البغوي المسمى معالم التنزيل، محقق: مهدي عبدالرزاق، ج ١، بيروت: دار إحياء التراث العربي تفسير نورالثقلين، ١٤٢٠ ق.
٨. جمعي از نويسندگان، موازنه اسلام بين دنيا و آخرت، قم: مؤسسه در راه حق، ١٣٦١ ش.
٩. حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعه إلى تحصيل مسائل الشريعة، تعليقات ابوالحسن شعراني، [بي جا]: مؤسسه اسلاميه، ١٤٠٩ ق.
١٠. حكيمي، محمدرضا، الحياة، قم: دليل ما، ١٣٨٠ ش.
١١. حويزي، عبدعلي بن جمعه، تفسير نور الثقلين، مصحح: هاشم رسولي، ج ٤، قم: اسماعيليان، ١٤١٥ ق.
١٢. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، محقق: صفوان عدنان داوودي، ج ١، بيروت: دارالشاميه، ١٤١٢ ق.
١٣. زحيلي، وهبه، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، ج ٢، دمشق: دارالفكر المعاصر، ١٤١٨ ق.
١٤. زمخشري، محمود، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل، مصحح: مصطفى حسين احمد، ج ٣، بيروت: دارالكتاب العربي، ١٤٠٧ ق.
١٥. صبحي صالح، نهج البلاغه، ج ١، قم: مؤسسة دارالهجرة، ١٤١٤ ق.
١٦. صدوق، محمد بن علي، الخصال، مصحح: علي اكبر غفاري، ج ٥، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٦ ق.
١٧. صدوق، محمد بن علي، معاني الاخبار، مصحح: علي اكبر غفاري، ج ١، قم: جامعه مدرسين حوزة علميه قم، ١٣٦١ ش.
١٨. صدوق، محمد بن علي، من لا يحضره الفقيه، مقدمه و تصحيح: علي اكبر غفاري، ج ٢، قم: جامعه مدرسين، ١٤٠٤ ق.
١٩. صدوق، محمد بن علي، الامالي، تحقيق: قسم الدراسات الاسلاميه - مؤسسة البعثة، ١٤٠٧ ق.
٢٠. صدوق، محمد بن علي، ثواب الأعمال و عقاب الاعمال، ج ٢، قم: الشريف الرضي، ١٣٦٤ ش.
٢١. طباطبائي، سيدمحمدحسين، الميزان في تفسيرالقرآن، ج ٢، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٣٩٠ ق.

۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبائی و هاشم رسولی، [بی جا]: [بی نا]، ۱۳۷۲ ش.
۲۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری، چ ۳، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، مصحح: محمد آخوندی، با تعلیقات حسن خراسان، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ ش.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: احمد حبیب عاملی، چ ۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، محقق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، [بی جا]: دارومکتبة الهلال، [بی تا].
۲۷. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، چ ۱، بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ ق.
۲۸. قمی، عباس، سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحار الأنوار، قم: اسوه، [بی تا].
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۳۰. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، محقق: بکری حیانی - صفوة السقا، چ ۵، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ ق.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تحقیق: سید ابراهیم المیانجی و محمد الباقر البهبودی، چ ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، چ ۲، [بی جا]: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ ق.
۳۳. مدرسی، محمدتقی، الوجیز فی الفقه الاسلامی، [بی جا]: [بی نا]، ۱۴۲۷ ق.
۳۴. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محقق: عباس قوچانی، چ ۷، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ ش.